

درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۱

تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱۴

علی رضا آذربایجانی*

محسن کاظمی نجفآبادی**

چکیده

هدف مقاله پیش رو آشنایی با مفهوم احساس عدالت قضایی و تبیین ویژگی‌ها و ملاک وجود آن در جامعه است. پژوهش پیش رو با روش کتابخانه‌ای و بررسی و تحلیل نظرهای ارائه شده درباره احساس عدالت قضایی نگاشته شده است. احساس عدالت نه به معنای هیجان بلکه به معنای ادراک وجود عدالت در بستر رسیدگی‌های قضایی است. این احساس متأثر از عامل‌های فراوانی است که بسیاری از آن‌ها به روند رسیدگی نامربوط است؛ اما در هر حال، چگونگی تعامل و سازمان قضایی بیشترین اثر را در پدید آوردن این احساس خواهند داشت. در ادبیات نویسندگان غربی که درباره احساس عدالت قضایی قلم فرسایی کرده‌اند؛ التزام افراد به احکام دادگاه‌ها نشانه وجود احساس عدالت قضایی برشمرده شده است؛ در حالی که این امر از عوارض اعتماد به دستگاه قضاست و می‌توان التزام افراد جامعه به اعتماد و تن دادن به نظام قضایی و حرکت در منطبق حقوقی را ملاکی عام و شامل درباره وجود احساس عدالت قضایی در جامعه دانست.

واژگان کلیدی: احساس عدالت قضایی، دادرسی، اعتماد.

*. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (azarbaijani@ut.ac.ir).

** دانشجوی دکترای حقوق خصوصی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / نویسنده مسئول

(kazemi1362@gmail.com).

مقدمه

بحث از احساس عدالت در ادبیات حقوقی ایران و به صورت مستقل چندی است که مطرح شده و پشتوانه چندانانی را نمی‌توان برای آن برشمرد. از جمله می‌توان به مقاله دکتر احمد حاجی‌ده‌آبادی در شماره نه مجله حقوق اسلامی در سال ۱۳۸۵ با عنوان «اجرای عدالت، احساس عدالت، قانون‌گذاری» اشاره کرد که به این اصطلاح و نمایی کلی از آن اشاره می‌کند و پایان‌نامه آقای محمد‌مهدی کنگریانی در پردیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۲ با عنوان «احساس عدالت با نگرش بر حقوق کیفری مبانی، آثار و جلوه‌ها» و مقاله «عدالت آئینی؛ پژوهشی پیرامون دادرسی‌های عادلانه» اثر دکتر حسن محسنی در مجله مطالعات حقوق خصوصی، بهار ۱۳۸۷ اشاره کرد؛ اما به صورت بحثی غیرمستقل و متفرعه، نه تنها می‌توان رگه‌هایی از این بحث را در آثار حقوقی معاصر از جمله دکتر متین‌دفتری، دکتر محمد عبده، دکتر امامی، دکتر کاتوزیان و دیگر بزرگان حقوق ایران دید که حتی می‌توان ادعا کرد تعدادی از نصوص دینی و متن‌های فقهی ناظر به دادرسی از این حیث است. همان‌گونه که دکتر حاجی‌ده‌آبادی در مقاله خود به یکی از نصوص دینی منقول از امیر مؤمنان ۷ اشاره می‌کند. در انتهای مقاله نظر مختصری به این نصوص خواهیم داشت اما در خارج از ایران، پژوهش‌های قابل توجهی به وسیله عده‌ای از حقوق‌دانان در ایالات متحده آمریکا در این باره صورت گرفته که از جمله می‌توان به نوشته‌های پروفیسور تام تیلور، استاد دانشگاه نیویورک اشاره کرد. تحقیق‌های پیش‌گفته بیشتر به طور خاص، ناظر به موضوع مقاله پیش‌رو یعنی احساس عدالت قضایی است. مراد از این عدالت، عدالتی است که در بستر دادرسی و فارغ از ماهیت موضوع دادرسی متبلور می‌شود. هر چند عنوان مطلب یعنی احساس عدالت، در وهله اول انسان را به یاد مقاله‌های جامعه‌شناسی می‌اندازد اما ضرورت‌هایی، ما را ناگزیر از ارائه این بحث در چارچوب حقوق می‌کند. مهمترین ضرورت آن‌که زمانی می‌توان از تحقق هدف متعالی حقوق یعنی برقراری عدالت سخن گفت که وجود آن از نظر جامعه ملموس باشد. لازمه این امر توجه جدی به بحث‌های مربوط به احساس عدالت است. پژوهش پیش‌رو می‌کوشد از راه بررسی و تحلیل نظرهایی که در این باره بیان شده، به مفهومی روشن و ملاکی عملی درباره احساس عدالت قضایی دست یابد.

لزوم پرداختن به احساس عدالت قضایی

احساس عدالت قضایی، در حقیقت احساس اجرای عدالت قضایی است که به علت رعایت اختصار ما به همین عنوان بسنده کردیم. اهمیت پرداختن به احساس عدالت قضایی در آن است که بدانیم صرف رعایت عدالت در بستر دادرسی، باعث تلقی مردم از عدالت در این حوزه نخواهد شد. این امر به معنای گسست کامل میان اجرای عدالت قضایی و احساس عدالت قضایی نیست؛ چرا که بستر عادلانه رسیدگی به دعاوی خود رکن رکن احساس عدالت قضایی است. عدالت قضایی شیوه پایدار و با دوام حل منازعه‌هاست. حرکت در این شیوه، بهتر و باعث پدید آمدن رابطه‌ای کم‌منزعه‌تر میان طرفین رسیدگی است. زمانی که مردمان به شیوه‌های کم‌خصمانه‌تری منازعه‌های خود را پایان می‌دهند، احساس بهتری نسبت به همدیگر دارند (Tyler, 2007, p27).

۱۴۵ اما پافشاری ما بر این نکته است که جریان عدالت قضایی باید به گونه‌ای باشد که باور وجود عدالت را در مردمان پدید آورد.

احساس عدالت الزاماً به معنای میزان تحقق عدالت نیست بلکه بیشتر ناظر به تصویری است که از رخدادها در ذهن افراد شکل می‌گیرد و در مواقعی این امکان وجود دارد که احساس عدالت با واقعیت متناظر نباشد (صدیق‌سروستانی و دغاقله، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

در حقیقت اجرا و احساس عدالت، دو طرف یک فرایند هستند که در صورت با هم بودن، می‌توانند اثرگذار باشند. اگر چه انتظار می‌رود میان بُعدهای عینی و ذهنی عدالت قضایی، تلازم منطقی وجود داشته باشد، با این وصف ویژگی‌های روانی حیات انسان، گویای این واقعیت است که در عمل این احتمال می‌رود که چنین تلازمی دیده نشود (علی‌نقی، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

احساس عدالت از این صحبت می‌کند که بر فرض این‌که عدالت در حقیقت اجرا شود این مردم هستند که باید با چشم خود و درک و بینش خویش عدالت را ببینند. وضعیت مطلوب آن است که حتی محکوم‌علیه و مجرم و سرانجام دشمن نیز - دست‌کم در باطن و ضمیر خویش- بپذیرد و قانع شود ضوابط عدالت اجرا شده است - گر چه لازم نیست حتماً به آن اعتراف و رسماً آن را اعلام کند- در این قسمت فقط صحبت از

وضع قانون عادلانه یا صدور حکم عادلانه نیست بلکه صحبت از آن است که تلقی عمومی و باور کلی آن باشد که دستگاه اجرایی، زمامداران و دادرسان در محاکم و داوران در داوری کمال عدالت را رعایت کرده‌اند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۵).

ماهیت احساس عدالت قضایی

در احساس عدالت به صورت کلی و در احساس عدالت قضایی به صورت خاص، ما با درک و احساسی که مردم از این امر دارند، روبه‌رو هستیم. زمانی که از احساس صحبت می‌کنیم، ذهن متوجه مفهومی می‌شود که با هیجان همراه است. آن چنان‌که از ارسطو نقل شده، احساس، چیزی است که وضعیت شخص را چنان دگرگون می‌کند که داوری وی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و چیزی که همراه با لذت و رنج است. خشم، ترس، تحقیر و ... و هم‌چنین ضد این‌ها، مثال‌هایی برای احساس هستند (رابرت سی، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

شاید صحبت کردن از این مفهوم از احساس در جای خود امری معقول و حتی لازم باشد اما بی‌گمان در یک پژوهش حقوقی، کاربردی نخواهد داشت. چه از یک طرف افراد در رویارویی با پدیده عادلانه، همواره پیروز نخواهند بود؛ بنابراین نمی‌توانند احساس یکسانی درباره آن داشته باشند. از طرف دیگر حتی در گروه افراد پیروز یا افراد شکست‌خورده در برابر عدالت، نمی‌توان ادعا کرد که همه احساسی مشابه به هم دارند. ممکن است شادی شخص پیروزی در یک دعوا بسیار بیش از شادی وی از پیروزی در دعوی دیگر باشد و ممکن است که شادی افراد در دعاوی همانند، بسیار با هم متفاوت باشد. از آنجایی که حقوق در پی وضع احکامی است که در برگیرنده همگان باشد، نمی‌تواند به این عامل‌ها توجه داشته باشد. چه متفاوت بودن احساسات، به معنای تفاوت موضوع‌هاست و نمی‌توان حکم مشابهی بر موضوع‌های متفاوت بار کرد. از طرف دیگر ما فاقد سازوکاری هستیم که این نوع احساسات افراد را بسنجد و این خود معضل بزرگتری است.

اگر احساس عدالت قضایی را به معنای هیجان ناظر بدانیم؛ قاعدتاً باید آن را فقط در برندگان دعاوی جست‌وجو کنیم؛ در حالی که باید این باور غلط را از ذهن زدود.

یکی از نویسندگان با اشاره به دیدگاهی که عدالت قضایی را فقط ناظر به برنده دعوا می‌داند می‌گوید: پیش از آن‌که وارد بحث از راه‌های عدالت قضایی شویم باید به تصور غلط درباره عدالت قضایی اشاره کنیم. این تصور غلط از این قرار است که فردی که بازنده دعوا بوده باید خوشحال باشد، در حالی که برعکس، کسی که بازنده دعواست نمی‌تواند خوشحال باشد. این سخن اشتباه است زیرا مردم می‌دانند نمی‌توانند همواره برنده دعوا باشند؛ بنابراین زمانی که روند دادگاه را عادلانه ببینند بهتر می‌توانند با باخت در دعوا کنار بیایند. این سخن هم درباره روند رسمی حل اختلافات و هم درباره روند غیررسمی حل اختلافات از جمله میانجی‌گری و داوری صدق می‌کند. به‌عنوان نتیجه، قضاوت عادلانه به دغدغه سود بردن همه اطراف دعوا توجه دارد نه پیروزی یکی از طرفین دعوا (Hollander-Blumoff & Tyler, 2008, p473).

از دیدگاه روان‌شناسی، هیجان عبارت است از واکنش کلی، شدید و کوتاه از ارگانیسم به یک موقعیت غیرمنتظره همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند (گنجی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۱). صحبت از عدالت قضایی فقط زمانی سودمند خواهد بود که نه تنها شامل تمام مراجعه‌کنندگان به دادگستری اعم از برنده و بازنده دعوا شود که تمام افراد جامعه را فارغ از این‌که پرونده‌ای در دادگستری داشته باشند یا خیر، شامل شود. در این صورت نمی‌توان آن را به امری هیجانی تفسیر کرد.

در برابر، ادراک در روان‌شناسی عبارت است از فرایند ترکیب، سازمان‌دهی و تعبیر اطلاعات حسی به شیوه معنادار. فرایند ادراکی به ما کمک می‌کند تا به پرسش‌های مهم درباره اشیاء در محیط پاسخ دهیم (هاکنبری، ۱۳۸۷، ص ۵۹). به‌عبارت دیگر اگر بین اطلاع حسی و پاسخ فاصله وجود داشته باشد یعنی اندیشه وارد عمل شود، از ادراک صحبت خواهد شد (گنجی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶)؛ بنابراین باید احساس عدالت را از جنس ادراک دانست که شامل تمام افراد و بازه زمانی بلندمدت خواهد شد. نه از جنس هیجان که یک گروه خاص و یک مقطع زمانی کوتاه را در بر می‌گیرد.

از این رو باید گفت: منظور از احساس عدالت، باور مردم به رعایت عدالت در برابر آن‌ها در دادگستری است. به‌عبارت دیگر، احساس نه به معنای هیجان که درک مردم از رفتار دستگاه قضا مدنظر است.

از این دید می‌توان احساس عدالت را در دو سطح بررسی کرد: الف) احساس عدالت نسبت به قوانین ماهوی مربوط به حق‌ها و تکلیف‌ها؛ ب) احساس عدالت نسبت به سخت‌افزار و نرم‌افزار بستر دادرسی که قانون‌های شکلی مربوط به دادرسی را می‌توان در زمره این سطح دوم شمرد. موضوع مقاله پیش‌رو به سطح دوم یعنی بستر دادرسی ناظر است که ما از آن تعبیر به عدالت قضایی می‌کنیم.

در صورتی که عموم مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌ها، عادلانه‌بودن رسیدگی قضایی را وجداناً درک کنند؛ نتیجه دعوا هر چند به ضرر آن‌ها باشد نمی‌تواند در احساس عدالت قضایی آن‌ها خدشه‌ای وارد کند. از این‌رو گفته شده، تحقیق‌های پیاپی و گوناگون حقوقی نشان می‌دهد چگونگی رفتار با مردم و دشواری‌های آن‌ها زمانی که آن‌ها به دادگاه مراجعه می‌کنند، اثر بیشتری بر آن‌ها دارد تا نتیجه‌ای که از روند دادگاه به‌دست می‌آید (Tyler, 2000, p117).

سرچشمه احساس عدالت قضایی

دشواری که در این بین وجود دارد آن است که احساس عدالت به‌صورت کلی، نتیجه یک عامل نیست؛ بنابراین نمی‌توان با قاطعیت گفت زمانی که در حوزه‌ای احساس عدالت نیست؛ عدالت در آن حوزه نیست. چه‌بسا که وضعیتی خاص ممکن است با وجود انطباق بر معیارهای نظری عدالت، در برانگیختن احساس عدالت ناتوان باشد؛ چرا که عامل‌های خارج از آن حوزه مانع از اثرگذاری آن می‌شوند. هر چند گفته شد که احساس عدالت قضایی به معنای امری هیجانی و مقطعی نیست و از درک مردمان از رعایت عدالت قضایی ناشی است؛ اما سرچشمه این درک همواره نمی‌تواند وجود عدالت قضایی باشد. بی‌گمان وضعیت جامعه از حیث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری این درک اثرگذار است.

به دیگر بیان باید میان عدالت حقیقی و عدالت ذهنی و پنداری در جامعه تمایز قائل شد. عدالت ذهنی و پنداری به‌علت شرایط بیرونی دستگاه قضا، همواره منطبق بر عدالت حقیقی نخواهد بود. شرایط بسیاری می‌تواند در شکل‌گیری احساس عدالت قضایی اثرگذار باشد که نمی‌توان جایگاهی در عدالت حقیقی برای آن‌ها تصور کرد.

به طور مثال، اگر در جامعه به یک گروه سیاسی یا اجتماعی در حوزه‌های غیر مرتبط با امر قضا ظلم و تعدی صورت گرفته باشد، حتی در صورت رعایت مَر عدالت قضایی، برداشت این گروه‌ها از نظام قضایی، برداشتی بر پایه بی‌عدالتی و تبعیض خواهد بود. همچنین وضعیت اقتصادی نیز عامل اثرگذاری در پدیدساختن احساس عدالت قضایی است؛ پس احساس عدالت قضایی ناشی از یک سرچشمه نیست. در این میان می‌توان از عنصر تبلیغات نیز نام برد که در صورتی که به صورت هدف‌دار و هوشمند صورت گیرد، اثر به‌سزایی در پدیدساختن این احساس یا عدم آن فارغ از وجود یا فقدان عدالت قضایی واقعی خواهد داشت. این موارد و عوامل چنان گسترده است که نیازمند پژوهشی مستقل در چارچوب علم جامعه‌شناسی است.

با این همه نمی‌توان انکار کرد که در شرایط معمول، عامل اصلی در قضاوت درباره احساس عدالت قضایی، عملکرد دستگاه قضاست. به عبارت دیگر اگر اصول مربوط به احساس عدالت قضایی به خوبی در دستگاه قضا رعایت شود؛ احساس عدالت قضایی در جامعه شکل خواهد گرفت. این تحقیق نیز فقط نه به عدالت‌پنداری جامعه که به تصویر عدالت قضایی در جامعه ناشی از عدالت قضایی حقیقی نظر دارد. صحبت از دیگر عامل‌های اثرگذار در پدیدساختن احساس عدالت قضایی و نه حتی عادلانه‌بودن شکلی و ماهوی، امری فراتر از حوصله یک بحث و تحقیق حقوقی است؛ بنابراین تمرکز ما در نوشتار پیش‌رو نیز به همین عامل ناظر است.

ارکان احساس عدالت قضایی

همان‌طور که گذشت، احساس عدالت قضایی همان باور جامعه به رعایت عدالت قضایی در بستر دادرسی در دادرسی‌هاست. این تعبیر عبارت دیگری از اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضاست؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که رکن رکین احساس عدالت قضایی، اعتماد عموم جامعه به دستگاه قضاست. این رکن هم شامل حال تمام مراجعه‌کنندگان به دادگاه و هم دیگر افراد جامعه می‌شود. به دیگر بیان اگر احساس عدالت قضایی در بستر دادرسی برای برنده و بازنده دعوا ملموس باشد؛ به مرور زمان نه تنها برای خود آن‌ها بلکه برای دیگر افراد جامعه نیز اعتماد به دستگاه قضا حاصل

خواهد شد. این اعتماد شاخصه‌هایی را برای وجود عدالت قضایی پدید خواهد آورد که شامل همه افراد جامعه خواهد شد.

در ادبیات حقوقی امریکا، گروهی از استادان بین‌رشته‌ای حقوق و روان‌شناسی، به موضوع عدالت قضایی (Procedural Justice) پرداخته و تحلیل‌های قابل توجهی از این موضوع نوشته‌اند. به‌طور خاص می‌توان به پروفیسور تام تیلور (Tom R. Tyler) اشاره کرد که در این حوزه کتاب‌هایی را نیز نگاشته است.* وی در یک نگاه جامعه‌شناسانه به عدالت قضایی، آن را برگرفته از چهار اصل می‌داند. این چهار اصل عبارت هستند از: الف) صحبت کردن؛ ب) بی‌طرفی؛ ج) احترام؛ د) اعتماد (Voice, Neutrality, Respect & Trust).

۱. صحبت کردن: مردم می‌خواهند فرصت بیان اظهارهای خودشان را پیش از تصمیم‌گیری درباره حل و فصل منازعه یا دشواری داشته باشند. داشتن فرصتی برای بیان دیدگاهشان یک اثر مثبت بر تجربه مردم درباره نظام قانونی داشته باشند فارغ از این‌که چه نتیجه‌ای در دادگاه رقم خواهد خورد (Tyler, 2007, p29).

۲. بی‌طرفی: مردم در دادگاه‌ها اقامه دعوا می‌کنند زیرا قاضی را به‌عنوان یک شخص بی‌طرف و تصمیم‌گیرنده اصلی که بر پایه قوانین تصمیم‌گیری می‌کند و تصمیم شخصی نمی‌گیرد و کسی که قواعد قانونی را بدون تبعیض میان مردم و ورای پرونده‌ها اعمال می‌کند، قبول دارند (همان).

۳. احترام: این اصل شامل دو رفتار خوب با مردم می‌شود که عبارت هستند از رفتار با تواضع و نزاکت با مردم و نشان‌دادن اهمیت برای حقوق مردم (همان).

۴. اعتماد: مطالعه‌های مداوم مقام‌های قانونی و سیاسی نشان می‌دهد که عامل اصلی که ارزیابی‌های عمومی از نهادها قانونی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، ارزیابی از ویژگی‌های تصمیم‌سازان است. عامل‌های اصلی در این ارزیابی شامل مواردی از صمیمیت و احساس مسئولیت می‌شود (همان، ص ۳۰).

*. وی در دانشگاه نیویورک فعالیت داشته و به تدریس در دانشکده روان‌شناسی و مدرسه حقوق اشتغال دارد. از کتاب‌های وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

The Social Psychology of Procedural Justice, 1988\ Trust in Organizations, 1996\ Social Justice in a Diverse Society, 1997\ Cooperation in Groups, 2000\ Trust in the Law, 2002\ Why People Obey the Law, 2006.

هر چند تیلور، این عامل‌ها را به قضات دادگاه‌ها منحصر نمی‌کند؛ اما پافشاری وی بر قضات، این انتقاد را به وی وارد کرده که از نقش عامل‌های دیگر مانند پلیس و نیروهای اداری دادگاه غافل شود و دیدگاه سنتی و محدودی به نظام و شیوه قضایی دارد (Flango, 2011).

هر چند موارد پیش‌گفته اثر به‌سزایی در پدیدساختن احساس عدالت قضایی و اعتماد مردم به دستگاه قضا دارد اما با این حال احساس عدالت قضایی را محدود به چگونگی تعامل قضات و مراجعه‌کنندگان می‌کند؛ در حالی که به‌نظر می‌رسد عامل‌های اثرگذار دیگری در بستر دادرسی بر پدیدساختن احساس عدالت قضایی و اعتماد عمومی به دستگاه قضا نیز وجود دارد. از جمله می‌توان به سخت‌افزار دادرسی و امکانات محاکم و چگونگی مدیریت سازمان قضایی در این‌باره اشاره کرد.

این عامل‌ها نه‌تنها بر پدیدساختن احساس عدالت قضایی اثر مستقیم و بی‌واسطه دارند که حتی بسیاری از تعامل‌ها در دادگاه‌ها نیز بستگی به موارد پیش‌گفته دارد. بی‌گمان زمانی که حجم کار قضایی در یک محدوده معقول از حیث میزان کمی و کیفی پرونده‌ها باشد، چگونگی تعامل وی با ارباب رجوع و وقت‌گذشتن در پاسخ‌دهی متفاوت از زمانی خواهد بود که امکانات و مدیریت دادگستری حجم کار انبوه و خارج از ظرفیت را برای وی ایجاب کند. فارغ از این‌که امکانات سخت‌افزاری و چگونگی مدیریت سازمانی اثر مستقیمی در اطلاع دادرسی و هزینه‌های مالی و غیرمالی مراجعه‌کنندگان از جمله تضييع وقت آن‌ها در پشت در دادگاه‌ها خواهد داشت.

شاخصه‌های عدالت قضایی

با توجه به این‌که احساس عدالت قضایی را به اعتماد عمومی به دستگاه قضا تعریف کردیم؛ باید در پی شاخصه‌هایی باشیم که بتوان به کمک آن‌ها بود و نبود اعتماد عمومی و میزان آن را سنجید.

در تحقیق‌هایی که خارج از ایران در این‌باره شده، این شاخص به‌طور کلی در التزام افراد به احکام دادگاه‌ها تبلور یافته است.

به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، دادگاه‌ها برای این‌که همواره به‌کار خود ادامه

بدهند نیاز دارند که مراجعه‌کنندگان تا مدت‌ها پس از مراجعه به دادگاه با تعهد به تصمیم دادگاه، به نظر دادگاه احترام بگذارند و دعوای طرح‌شده را دوباره به دادگاه نکشانند. سرانجام دادگاه‌ها می‌خواهند اعتماد و اطمینان عمومی به دادگاه، قاضی و قانون، نه تنها کم نشود که افزون شود. این اعتماد کلید باقی ماندن مشروعیت دستگاه قضایی است (Tyler, 2007, p29). از نقطه نظر این دیدگاه عدالت قضایی با مفهوم اعتماد جامعه به تصمیم‌های دستگاه قضایی گره خورده است؛ به طور مثال، در دادگاه خانواده، دادگاه‌ها می‌کوشند تصمیمی برای حفاظت و حمایت از بچه‌ها بگیرند که والدین با رغبت نسبت به آن تمکین کنند و به اندازه‌ای که عملی است یک جدایی رسمی اما پویا و مثبت پدید آورند؛ به گونه‌ای که والدین نسبت به نیازهای مالی و عاطفی فرزندشان احساس مسئولیت کنند. هم‌چنین عدالت قضایی در پدیدساختن پویایی مثبت در خانواده‌ها و در تسهیل تبعیت درازمدت از تصمیم‌های دادگاه اثرگذار است (Dillon & Emery, 2005, p66).

در تحقیقی دوساله در استرالیا، درباره افراد بالغی که به علت رانندگی در حین مستی بازداشت و محاکمه می‌شدند؛ معلوم شد افرادی که تجربه شنیده شدن منصفانه را در این دو سال داشتند؛ بنابراین قانون را مشروع‌تر می‌دیدند فقط به اندازه یک چهارم کسانی که در خلال این دو سال مشروعیت کمتری نسبت به دیدگاه اولیه خود از قانون پیدا کرده بودند، مرتکب جرم می‌شدند. به عبارت دیگر، کاهش ارتکاب جرایم ناشی از شنیده شدن منصفانه تا چهار سال بعد نیز ادامه داشت (Tyler et al, 2007, p553).

هم‌چنین تحقیق‌های مشترک یک حقوق‌دان (Laurens Walker) و یک روان‌شناس (John Thibaut) نشان می‌دهد که صرف نظر از نتیجه دادگاه، اگر روند دادگاه منصفانه باشد، شرکت‌کنندگان در دادرسی تمایل بیشتری به پذیرش نتیجه دادگاه دارند. به طور خاص، آن‌ها باور داشتند که شیوه‌هایی که اجازه می‌دهد طرفین به رقابت در دادگاه برخیزند، عادلانه است؛ زیرا فرصت ارائه مطالب هر کدام از طرفین دعوا را پیش از تصمیم‌گیری به وسیله مقام اداره‌کننده دادرسی به افراد می‌دهد (Thibaut & Walker, 1975).

تمام موارد نشان‌دهنده آن است که از نظر نویسندگان و محققان پیش‌گفته، شاخصه اعتماد به دستگاه قضایی در التزام به آرای دادگاه‌ها متبلور می‌شود. اشکالی که این

شاخص دارد آن است که فقط می‌توان با آن احساس عدالت قضایی در میان مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌ها سنجید؛ اما درباره افراد دیگر جامعه ساکت خواهد بود.

از این رو گفته شده، تحقیق‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مردم اگر تجربه روند در این نهاد قانونی را عادلانه احساس کنند تا اندازه فراوانی نسبت نتیجه به‌دست آمده در این روند متأثر نخواهند شد؛ هر چند که این نتیجه برای آن‌ها منفی باشد (Tyler, 2006). افزون بر این، تحقیق‌هایی که افراد را هم پیش و هم بعد از تجربه شخصیشان از برخورد با نهادهای قانونی بررسی کرده‌اند نشان می‌دهد اعتماد و پذیرش در یک نهاد قانونی، زمانی افزایش می‌یابد که مردم عدالت قضایی را تجربه کنند، حتی اگر در موقعیتی قرار گیرند که نتیجه‌ای منفی برای آن‌ها داشته باشد (Tyler & Fagan, 2008). در تمام موارد پیش‌گفته بر لزوم وجود یک تجربه از عدالت قضایی پافشاری شده است.

در برابر می‌توان با تحلیل دیگری، شاخصی ارائه داد که کل جامعه را در برگیرد. یکی از معیارها و چارچوب‌هایی که می‌توان برای احساس عدالت قضایی در نظر گرفت، این نکته است که فارغ از آنچه مردمان راجع به عدالت در جامعه به‌طور عام و دستگاه قضا و روند دادرسی به‌طور خاص می‌اندیشند، واکنششان نسبت به نظامی که باید عادلانه باشد، چگونه است. آیا آن‌ها چارچوب تبئین‌شده برای عدالت را می‌پذیرند و در ذیل منطق آن حرکت می‌کنند یا راه‌هایی را می‌جویند که از چارچوب این منطق بیرون است؟ و البته همیشه این امکان وجود دارد که افرادی در پی زیرپا گذاشتن چارچوب‌های معمول باشند اما این امر تا زمانی که استثنا و کم باشد، مشکلی را پدید نمی‌آورد بلکه مشکل از آنجا شروع می‌شود که این امر استثنایی گسترش یابد یا تبدیل به جریان غالب شود.

فرض ما این است که نسبت به احساس مردمان راجع به عدالت قضایی ناآگاه هستیم اما با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها راجع به عدالت قضایی، چه معیار مشخصی برای این‌که از احساس مردم نسبت به عدالت قضایی آگاه شویم، می‌توانیم ارائه دهیم.

برای این امر باید ابتدا این پرسش را پاسخ دهیم که اگر مردمان نسبت به روند قضایی دادگستری‌ها احساس عدالت داشته باشند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ با اندکی درنگ پاسخ این پرسش آن خواهد بود که در این صورت، مردمان نسبت به عدالت

قضایی تمکین خواهند کرد. تمکین کردن به این معناست که؛ اولاً، به دادرسی دادگاه تن در می‌دهند؛ ثانیاً، خود را با روند دادرسی تطبیق می‌دهند و در چارچوب منطق آن دست به اقدام‌های قضایی می‌زنند.

منطق قضایی، حکم می‌کند که طرفین، اختلاف خود را در دادگاه صالح اقامه کنند و با توجه به حقوق دفاعی، خود و طرف مقابل، دلایل خود را مطرح کنند و دادگاه را با استفاده از دلایل منطقی و حقوقی به این نتیجه برسانند که در جایگاه حق قرار دارند. اگر فرایندی که طرفین آن را دنبال می‌کنند، غیر از این باشد و بخواهند از راه عامل‌های غیرحقوقی و نامربوط به منطق دادرسی، دعوای خود را پیش ببرند، نشان‌دهنده آن است که افراد، احساس خوبی نسبت به فرایند دادرسی و عدالت قضایی ندارند و گرنه قاعدتاً اگر نسبت به روند دادرسی احساس عدالت داشته باشند به شیوه آن با اختلافات برخورد خواهند کرد البته از بیان این نکته نیز نباید غفلت کرد که در هر حال در هر نظام قضایی، عده‌ای در پی پیشبرد هدف‌های خود، خارج از منطق دادرسی هستند اما این امر تا زمانی که امری استثنایی و برخلاف جریان کلی دادرسی باشد، نمی‌تواند احساس عدالت قضایی جامعه به دستگاه قضایی را زیر پرسش ببرد.

به تعبیر یکی از نویسندگان، یک نظام قضایی حتی اگر ارزیابی و برداشت‌های ذهنی ناظران و مردم را خلاف بداند، نمی‌تواند از کنار این ارزیابی‌ها بی‌اعتنا بگذرد. پافشاری بر این نکته به مایوس شدن کنشگران از استیفای حقوق خویش از راه نظام قضایی می‌انجامد. انتظار می‌رود که در این اوضاع کنش‌گران پس از نادیده‌گرفتن نظام قضایی کشور، شخصاً وارد عمل شده و به کوشش برای کسب حقوق خویش دست زنند. اگر شاخص‌های عینی حاکی از این واقعیت باشند که دستگاه قضایی کشور توان دفاع از حقوق شهروندان را ندارد؛ در این وضعیت احتمال می‌رود که مردم از مراجعه به این نظام جهت احقاق حقوق خویش (درباره اختلاف) صرف‌نظر کنند (علی‌نقی، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

می‌توان گفت که آنچه که اهمیت احساس عدالت قضایی را برجسته می‌سازد، همین قابل پذیرش بودن روند دادرسی برای مردمان است. همان‌طور که توجیه‌پذیر بودن قانون‌ها و تصمیم‌های اداری، برای مردمان تعهد نسبت به رعایت آن‌ها را ایجاد

می‌کند (سلزینیک، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴)، درک جامعه مبنی بر رعایت عدالت قضایی، تصمیم‌های قضایی را توجیه‌پذیر کرده، به تمکین به روند دادرسی و تعهد به تصمیم‌های قضایی خواهد انجامید.

به این ترتیب می‌توان گفت که چارچوبی مطمئن برای سنجش احساس عدالت قضایی به دست آورده‌ایم. این معیار از آن‌رو مهم است که همه برندگان و بازندگان دعاوی و عموم افراد اجتماع را در بر می‌گیرد. این ملاک با توجه به نکته‌هایی که پیش از این گفتیم، اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضاست. این اعتماد دو شاخصه دارد:

الف) اگر احساس عدالت قضایی در جامعه وجود داشته باشد عموم جامعه در صورت اختلاف و نرسیدن به توافق در روابط شخصی، دستگاه قضایی را به‌عنوان راه‌حل مناسبی انتخاب می‌کنند؛

ب) در هنگام اختلاف و نرسیدن طرفین به توافق درباره آن، نخستین چیزی که به ذهن افراد خطور کند، آن باشد که آن‌ها به تن دادن به روند دادرسی و حرکت در منطق قضایی فکر کنند و نه راه‌های غیر قضایی و خارج از منطق حقوقی.

هر چند پیش از این بیان شد نویسندگان غربی که راجع به عدالت قضایی قلم زده‌اند، به التزام مردم به احکام صادره از دادگاه اشاره کرده و آن را معیار عدالت قضایی دانسته‌اند (Tyler, 2007, p27)؛ اما به نظر می‌رسد که التزام به احکام دادگاه‌ها، از لوازم و آثار اعتماد عمومی به دادگاه‌هاست.

سابقه توجه به احساس عدالت قضایی در فقه و نصوص دینی

همان‌طور که در مقدمه گفتیم، توجه به احساس عدالت قضایی به‌عنوان یک موضوع مستقل در رسیدگی‌های قضایی را باید امری نو و ناشی از توجه روزافزون به روندهای شکلی حاکم بر دادرسی تلقی کرد اما این به آن معنا نیست که سابقه حقوقی و حتی فقهی ما بی‌تفاوت نسبت به این مهم بوده باشد. تعبیرهای به‌کار رفته در برخی نصوص و منابع فقهی نشان از اهتمام ویژه به این امر دارد. مهمترین سند در این باره را می‌توان در کلام و رفتار امیر مؤمنان 7 مشاهده کرد. یکی از صریح‌ترین نصوص دینی درباره

احساس عدالت در کلام / امیر مؤمنان 7 جریان یافته است که به خوبی با آن چه در تحلیل احساس عدالت قضایی پیش از این گفته شد، مطابقت دارد. / امیر مؤمنان 7 خطاب به شریح قاضی، مواردی درباره عدالت قضایی از جمله لزوم رعایت تساوی در جایگاه و گفتار را به وی تذکر می دهد:

با صورت و گفتار و جایگاهت مساوات میان مسلمانان را برقرار ساز؛ به گونه ای که نزدیکان تو به پایمال کردن (حقوق) به وسیله تو طمع نکنند و دشمنان نیز از عدالتت ناامید نشوند . . . و برای کسی که مدعی داشتن شهود است، فرصتی قرار بده که اگر در آن مدت شاهدانش را حاضر کرد حق وی را بگیری و اگر آنها را حاضر نکرد، حکم را بر وی واجب گردانی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۳).

صرف نظر از اهمیت موارد تذکر داده شده به شریح قاضی به وسیله امیر مؤمنان 7، تعلیل آن حضرت درباره لزوم رعایت این دستورها در قضاوت بسیار قابل توجه است: «به گونه ای که نزدیکان تو به پایمال کردن (حقوق) به وسیله تو طمع نکنند و دشمنان نیز از عدالتت ناامید نشوند».

/ امیر مؤمنان 7 در مذاکره با قاضی خود بر لزوم رفتاری از طرف وی پافشاری می کند که اعتماد عمومی را جلب کند. در حقیقت آن حضرت پافشاری را بر اصول عدالت قضایی برده و آن را معلل به احساس افراد جامعه اسلامی در رابطه با عدالت قضایی کرده است. به عبارت دیگر نه صرف لزوم رعایت عدالت که اعتماد عمومی به عدالت قضایی دلیل لزوم رعایت عدالت قضایی بیان شده است. هم چنین آن حضرت ملاکی از احساس عدالت قضایی را ارائه می دهد که فراتر از افقی است که ما در مقاله پیش رو برای احساس عدالت قضایی ارائه کردیم. آن ملاک نه تنها باور عموم مردم که باور دشمن به رعایت عدالت در دادرسی و به وسیله قاضی است؛ یعنی دستگاه قضا زمانی می تواند مدعی رعایت عدالت قضایی شود که حتی کسانی که به هر صورتی با این دستگاه به دشواری بر می خورند؛ واهمه ای از ارجاع اختلاف ها و شکایاتشان به این دستگاه نداشته باشند.

همین تعلیل را در موارد دیگری از دستورهای / امیر مؤمنان 7 مشاهده می کنیم؛ به طور مثال، حضرت در دستورهای خود به محمد بن ابی بکر بعد از پافشاری بر رعایت عدالت

قضایی می‌فرماید: «تا بزرگان به پایمال کردن (حقوق) به وسیله تو طمع نکنند و ضعیفان نیز از عدالت ناامید نشوند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۸).

هم‌چنین دقت در سیره و رفتار *امیر مؤمنان* ۷ نیز نشانگر پافشاری و اهمیت احساس عدالت قضایی در نظر آن حضرت است. چنان‌که نقل است، شخصی مهمان آن حضرت شد. آن‌گاه که وی متوجه شد وی از اصحاب دعواست، از میزبانی خود دست کشیدند و به وی فرمود: «پیامبر گرامی ۶ نهی کرده که قاضی میزبان یکی از دو طرف دعوا باشد مگر این‌که هر دو طرف دعوا میهمان وی باشند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۳).

به جز این موارد، در روایت‌هایی از پیامبر اکرم ۶ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۴) و *امیر مؤمنان* ۷ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲۶) به رعایت تساوی در کوچکترین برخوردها مانند نگاه، اشاره کردن و جایگاه طرفین اشاره شده است. شیخ طوسی؛ در روایتی از پیامبر اکرم ۶ به طرز صحبت کردن نیز اشاره دارد؛ به گونه‌ای که قاضی حق ندارد با یکی از طرفین بلندتر صحبت کند مگر این‌که همین برخورد را با طرف دیگر داشته باشد (همو، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۴۹). در مجموع فقیهان از این موارد، استفاده حصر نکرده‌اند و تمام رفتارهایی را که قاضی نسبت به طرفین دعوا باید انجام دهد، بیان کرده‌اند.

شهادت اول؛ انواع اکرام و گوش دادن به کلام و انصاف نسبت به طرفین را در این حکم داخل می‌داند. *شهادت ثانی*؛ در شرح انواع اکرام به مواردی مانند: اجازه دخول، بلندشدن، نشستن و گشاده‌رویی اشاره می‌کند (شهادت ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۷۲).

در تحلیل تمام موارد بیان‌شده می‌توان اهمیت احساس عدالت قضایی را به وضوح مشاهده کرد. در صورت رعایت این موارد، تمام ارکان بیان‌شده برای احساس عدالت قضایی اعم از صحبت کردن، بی‌طرفی، احترام و اعتماد تضمین خواهد شد.

به جز این موارد، موارد بسیار دیگری را نیز می‌توان در فقه مشاهده کرد که می‌توان لزوم پدیدساختن احساس عدالت قضایی را عنصر مهمی در پافشاری بر آن‌ها ارزیابی کرد؛ از جمله: کراهت قضاوت در حال عصبانیت و خشم، کراهت وجود دربان و حاجب برای قاضی، حرمت یا کراهت گرفتن رشوه بر حکم به حق، حکم کردن نه بر

اساس علم واقعی بلکه براساس ادله ابرازشده از سوی مترافعین (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۶۶).

نتیجه

احساس عدالت قضایی، ناظر به عدالت در بستر دادرسی و فارغ از ماهیت دعواست. احساس در این اصطلاح نه به معنای هیجان که ادراک رعایت عدالت در بستر دادرسی به وسیله جامعه است. این ادراک لزوماً به معنای اجرای عدالت قضایی نیست؛ چرا که این ادراک تابعی از علل گوناگون و گاهی نامرتبط به رسیدگی و متأثر از واقعیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. گاه وضعیت جامعه به گونه‌ای است که کم‌رنگ شدن اجرای عدالت قضایی، نمود کمتری داشته، باعث سلب احساس عدالت قضایی نمی‌شود. در برابر، گاه وضعیت به گونه‌ای است که با اجرای عدالت قضایی، احساس عدالت قضایی در جامعه شکل نمی‌گیرد. گاه این هر دو در ضعف و قوت با یکدیگر انطباق دارند. با این همه بی‌گمان تعامل در دادگاه‌ها و دستگاه قضایی اثر مهمی در شکل‌گیری آن خواهند داشت. پافشاری بر تعامل و عناصری؛ از جمله: احترام، استماع، اعتماد و بی‌طرفی نباید ما را از نقش نظام قضایی در شکل‌گیری این احساس در سطح جامعه غافل کند. ضابطه این احساس را در یک کلام می‌توان اعتماد به دستگاه قضایی دانست و ملاک ارزیابی آن را نیز می‌توان التزام به دستگاه قضا و حرکت در جهت منطق حقوقی برای پیروزی در دعوا دانست. از نتیجه‌های این اعتماد می‌توان به التزام مردم به احکام صادره و سرانجام کاهش بار دادگاه‌ها اشاره کرد.

منابع و مأخذ

۱. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ «اجرای عدالت، احساس عدالت»؛ مجله فقه و حقوق، ش ۹، ۱۳۸۵.
۲. رابرت‌سی، سالم و شهرزاد قانونی؛ «فلسفه احساسات»؛ مجله گلستانه، ش ۱۰۱، ۱۳۸۸.
۳. سلزنیک، فیلیپ و مسعود حبیبی‌مظاهری؛ «جامعه‌شناسی حقوق»؛ مجله کانون، ش ۱۴، ۱۳۷۸.
۴. سیدرضی، محمدبن حسین موسوی؛ نهج البلاغه؛ ج ۱، قم: موسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.

۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی؛ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية؛ ج ۳، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ المبسوط فی فقه الامامیه؛ ج ۸، ج ۳، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷.
۸. ———؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۹. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و عقیل دغاقله؛ «مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی»؛ مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۳۴، ۱۳۸۷.
۱۰. علی نقی، امیرحسین؛ «امنیت قضایی»؛ مجله مطالعات راهبردی، ش ۱۰، ۱۳۷۹.
۱۱. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۷، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۲. گنجی، حمزه؛ روان‌شناسی عمومی؛ ج ۱۳، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۷۹.
۱۳. محقق‌حلی، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۴، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۴. هاکنبری؛ یافته‌های روان‌شناس؛ مترجم: مژگان محرم و محمد مختاری؛ ج ۲، مشهد: انتشارات سروش آدینه، ۱۳۸۷.
15. Tyler, Tom R; **procedural justice and the courts**; Available at: <http://www.proceduralfairness.org/~media/Microsites/Files/procedural-fairness/Tyler.ashx>, 2007.
16. Rebecca Hollander-Blumoff & Tom R. Tyler; **Procedural Justice in Negotiation: Procedural Fairness; Outcome Acceptance, and Integrative Potential**, 33 LAW & SOC. INQUIRY 473 (2008). , Available at: <https://pdfs.semanticscholar.org/4f2a/b30177791f49258a18b27bd37d107fbec1e6.pdf>.
17. Tom R. Tyler; Social Justice: **Outcome and Procedure**; 35 INT'L J. PSYCHOL, 2000.
18. Victor E. Flango; **Is Procedural Fairness Applicable to All Courts?**; 2011, Available at: <http://digitalcommons.unl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1366&context=ajacourtreview>
19. Peter A. Dillon & Robert E. Emery; **Divorce Mediation and Resolution of Child Custody Disputes: Long-term Effects**; 2005. Available at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/pdf/10.1037/h0080163>.

20. Penelope E. Bryan; **Constructive Divorce: Procedural Justice And Sociolegal Reform**; New York: American Psychological Association (APA), 2005.
21. Tom R. Tyler et al; Reintegrative Shaming, Procedural Justice, and Recidivism: **The Engagement of Offenders' Psychological Mechanisms in the Canberra RISE Drinking-and-Driving Experiment**, 41 LAW & SOC'Y REV. 553, 2007.
22. John Thibaut & Laurens Walker; **Procedural Justice: A Psychological Analysis**; 1975, Available at: <https://scholarship.law.duke.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2648&context=dlj>
23. Tom R. Tyler; "Why People Obey The Law"; New York: **Princeton University Press**, 2006.
24. Tom R. Tyler & Jeffrey Fagan; **Legitimacy and Cooperation: Why Do People Help the Police Fight Crime in Their Communities?**; 2008. Available at: <http://moritzlaw.osu.edu/students/groups/osjcl/files/2012/05/Tyler-Fagan-PDF.pdf>.